



شنبه 21 فروردین 1395 - 1 رجب 1437 - 9 آوریل 2016

موضع‌گیری «امام خمینی» (ره) در مورد روحانیت و سیاست پس از آزادی از زندان

21 فروردین درگذر تاریخ

* موضع‌گیری «امام خمینی» (ره) در مورد روحانیت و سیاست پس از آزادی از زندان (1343 ش)
اشاره:

پس از سخنرانی امام خمینی (ره) در سیزدهم خرداد 42 و دستگیری ایشان توسط رژیم طاغوت و وقوع قیام پانزدهم خرداد، رژیم، آن حضرت را نزدیک به ده ماه در حبس نگاه داشت و سپس در خانه‌ای تحت نظر گرفت. اما عکس‌العمل شدید مردم در مورد این محاصره، بازهم رژیم را به عقب‌نشینی وادار کرد تا آن‌که امام خمینی (ره) را در هجدهم فروردین 1343 آزاد کردند.

پس از آزادی امام خمینی (ره)، رژیم وانمود کرد که امام با نظام پهلوی به تفاهم رسیده است. روزنامه اطلاعات در این باره نوشت: «چقدر جای خوشوقتی است که جامعه روحانیت نیز اکنون با همه مردم، همگام در اجرای برنامه‌های انقلاب شاه و مردم شده است». این خبر با واکنش تند آن بزرگوار مواجه شد. از این رو حضرت امام سه روز پس از آزادی، در بیست و یکم فروردین 43، طی نطقی، طوفانی از خشم و نفرت علیه رژیم ستمشاهی به پا کردند و رژیم را وادار ساختند که دست به عقب‌نشینی فصاحت باری بزنند. ایشان در این نطق فرمودند:

«در این روزنامه، تحت عنوان اتحاد مقدس در سرمقاله نوشته بودند که با روحانیت تفاهم شده و روحانیان با انقلاب سفید شاه و ملت موافق هستند. کدام انقلاب؟ کدام ملت؟ آیا این انقلاب مربوط به روحانیت و مردم است؟! آقایان که در دانشگاه هستید، برسانید به همه که روحانیت با این انقلاب موافق نیست. خمینی را اگر دار بزنند تفاهم نخواهد کرد.» این سخنرانی باعث شد که رژیم با دستپاچگی نماینده‌ای به محضر امام بفروست و رسماً عذرخواهی کند. در گام بعدی، رژیم، امام را از دخالت در سیاست برحذر داشت و سیاست را حيله و دروغ معرفی کرد. ولی امام ضمن رسوا کردن چهره طاغوت، لزوم دخالت روحانیت در سیاست را یادآور شده و سیاست را از دیانت جدا ندانستند.

* ترور نافرجام «محمدرضا پهلوی»

در کاخ مرمر (1344 ش)

اشاره:

در ساعت 9 صبح 21 فروردین 1344، هنگامی که محمدرضا پهلوی عازم دفتر کار خود در کاخ مرمر بود، سرباز وظیفه رضا شمس‌آبادی او را به مسلسل بست، ولی گلوله‌ها به شاه اصابت نکرد و دو نفر از محافظین محمدرضا کشته و دو نفر نیز زخمی شدند. پس از این تیراندازی بلافاصله شمس‌آبادی توسط گارد محافظ به شهادت رسید. شاه برای نشان دادن سلامتی خود، در اتومبیلی رو باز به گردش پرداخت و روزنامه‌ها نوشتند: بین چند نفر سرباز در کاخ مرمر نزاع در گرفت که به تیراندازی و کشته و مجروح شدن چند سرباز منجر گردید.

علی‌رغم سرکوب انقلاب مردم در 15 خرداد 42 و تبعید رهبر این نهضت، این ترور نشان داد که مخالفان شاه حتی در کاخ وی نیز رسوخ کرده‌اند و حرکت انقلابی همچنان ادامه دارد.

* سالروز زمین لرزه پرتلفات

در فارس (1351 ش)

اشاره:

بامداد 21 فروردین 1351 (دهم آوریل 1972)

زمین لرزه‌ای به شدت 7 و یک دهم در مقیاس ریشتر در استان فارس روی داد که ضمن آن بیش از 5 هزار و 300 نفر از هموطنان کشته شدند. کانون زلزله منطقه «قیر» و «کازرین» بود که تا شیراز همه جا را تکان داده بود. منوچهر پیروز، استاندار وقت تلفات منطقه چهارم را بیش از نقاط دیگر گزارش کرده بود. این زلزله 3 شهر و بیش از 70 روستا را ویران ساخته بود. بیشتر مقتولان این رویداد، زنان و کودکان بودند زیرا مردها در ساعت وقوع زلزله برای کار از خانه خارج شده بودند. این زمین لرزه 4 سال پس از زلزله خراسان روی داده بود که در زلزله خراسان بیش از 20 هزار تن جان خود را از دست داده بودند. اسناد مرکز جهانی جمع‌آوری تلفات و زیان‌های زمین لرزه‌ها نشان می‌دهد که در طول 30 سال منتهی به 1992، در ایران 13 زمین لرزه بسیار شدید روی داده که جمع تلفات آنها 90 هزار کشته بوده است. چند روز پس از زلزله دهم آوریل 1972 فارس، چنان زلزله‌ای در ایتالیا روی داد که ضمن آن بیش از 600 نفر جان سپردند. ششم آوریل 2009 نیز یک زمین لرزه بیش از 270 نفر را در ایتالیا بی کشته شدند.

* رحلت حکیم، عارف و عالم گرانقدر «میرزا ابوالحسن جلوه» (1276 ش)

اشاره:

حکیم میرزا ابوالحسن بن محمد جلوه، عارف، فیلسوف و متکلم شیعی ایرانی معروف به میرزای جلوه در حدود سال 1202 ش در احمدآباد گجرات هند متولد گردید. در 7 سالگی به اتفاق خانواده به ژواره اصفهان، زادگاه اجدادش بازگشت و در 14 سالگی پدرش را از دست داد. چون پدران و نیاکان میرزا ابوالحسن، اهل علم و فضل بودند، او نیز تحت تأثیر فضای موروثی خانواده واقع شد و تصمیم گرفت کسب دانش را تا پای جان دنبال کند. پس در زمره طالبان علم درآمد و با وجود سختی‌های زندگی، مقدمات دانش‌های گوناگون دینی آن زمان مانند: زبان و ادبیات عرب، منطق، کلام، تفسیر، حدیث و فلسفه را فرا گرفت و به ویژه در حکمت الهی و طبیعی به مقامی در خور توجه رسید. ایشان در این میان با شاعران بزرگ اصفهان هم دوستی داشت و به محافل ادبی رفت و آمد می‌کرد، چندان که ذوق شاعری در او پدید آمد و با پژوهش و کار علمی و هنری بسیاری که در این زمینه کرد و تمرین‌هایی که بدان دست یازید، سخنوری چیره دست و توانا گردید و «جلوه» تخلص نمود. میرزا ابوالحسن جلوه پس از سالیانی توقف در اصفهان و کسب مدارج والای علمی، در 35 سالگی به تهران عزیمت کرد و در مدرسه دارالشفای اقامت گزید. وی به مدت، چهل سال در این مدرسه به تدریس و تحقیق و تألیف روزگار گذراند. و معیشت خود را از املاک اجدادی تأمین می‌کرد. مجلس درس او میعادگاه دانش‌پژوهان و بزرگان و دانشمندانی بود که از هر کران برای بهره‌گیری از دریای دانش او به آنجا می‌شتافتند. ناصرالدین شاه قاجار چندین بار به دیدار او رفت و در حجره محقر او نشست و درباره مسائل گوناگون علمی و فلسفی به گفتگو با او پرداخت و مشکلات خود را در میان نهاد و پاسخ شایان شنید. پادشاه او را بسی گرامی می‌داشت اما میرزای جلوه هیچ بهره مادی از نزدیکی به دربار و شاه برنگرفت و خواستار هیچ نعمتی غیر از خدای منعم فیاض نگشت. میرزای جلوه از بزرگترین دانشمندان فلسفه و حکمت به شمار می‌آمد. وی آثار متعددی همچون حواشی بر اسفار ملاصدرا و شفای ابن‌سینا دارد و همچنین رساله‌هایی در وجود و اقسام آن، ترکیب و احکام آن و نیز بیان استجابات دعا و دیوان اشعار نغز و زیبایی از ایشان

به جای مانده است. این حکیم بزرگ در طول
بیش از ده‌ها سال تدریس، شخصیت‌های فرهیخته‌ای
همچون: میرزا طاهر تنکابنی، سیدحسین بادکوبه‌ای، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا مهدی آشتیانی،
شیخ عبدالنبی نوری، میرزا علی اکبر حکیم یزدی، میرزا محمدعلی شاه‌آبادی، آخوند ملامحمد کاشانی و جهانگیرخان قشقایی
و... تربیت نمود. میرزا ابوالحسن جلوه
سرانجام در 21 فروردین 1276 ش برابر با 6 ذی‌قعدة 1314 ق
در 74 سالگی بدروء حیات گفت و در جوار مقبره ابن‌بابویه
در شهر ری به خاک سپرده شد.

* شهادت امیر سپهبد

«علی صیادشیرازی» جانشین ستاد کل نیروهای مسلح (1378 ش)
اشاره:

امیرسپهبد علی صیاد شیرازی در سال 1323 ش
در شهرستان درگز در استان خراسان به دنیا آمد و پس از تحصیلات دبیرستان، وارد دانشگاه افسری شد. وی در سال 1346
موفق به اخذ درجه کارشناسی
از دانشگاه افسری گردید و پس از طی دوره تخصصی توپخانه،
به عنوان استاد در مرکز آموزش توپخانه اصفهان مشغول به تدریس شد. او از مخالفان رژیم شاه بود
تا جایی که توسط عوامل آن رژیم دستگیر و زندانی شد
و در آستانه پیروزی انقلاب، در بهمن 57 آزاد گردید. وی از این زمان، خود را در اختیار انقلاب اسلامی قرار داد و در صحنه‌های
سرنوشت‌ساز پیکار با دشمنان انقلاب،
شرکتی فعالانه داشت، شهید صیاد شیرازی در بحبوحه غائله
ضدانقلاب در کردستان در سال 1358، به فرماندهی عملیات
شمال غرب کشور برگزیده شد و به همراه شهید چمران و دیگر رزمندگان اسلام، نقش مهمی در پاکسازی منطقه
از لوث عناصر ضد انقلاب ایفاء کرد. این امیر ارتش اسلام،
پس از خلع بنی‌صدر، برای پایان دادن به ناهماهنگی ارتش
و سپاه، قرارگاه مشترک عملیاتی سپاه و ارتش را راه‌اندازی کرد و به عنوان فرمانده ارتش در همانجا مشغول فعالیت گردید.
ایشان در 9 مهر 1360
به پیشنهاد شورای عالی دفاع و با حکم حضرت امام خمینی(ره)،
به فرماندهی نیروی زمینی ارتش منصوب شد که
در سلسله عملیات پیروزمند ثامن‌الائمه، طریق القدس، فتح المبین،
بیت‌المقدس، رمضان، مسلم بن عقیل، مطلع الفجر،
محرم، والفجر 1 2 3، خیبر و بدر فرماندهی نیروهای ارتش را
بر عهده داشت.
شهید صیاد شیرازی نقش حساسی در آزادسازی خرمشهر
ایفاء نمود و حضور او در هشت سال دفاع مقدس، پیروزی‌های متعددی را برای کشور اسلامی به همراه داشت.
وی در تیرماه 65 به فرمان امام به عضویت شورای عالی دفاع
منصوب شد و در اردیبهشت 1366، به درجه سرتیپی ارتقاء یافت. امیر شجاع اسلام، در سال 1368
به سمت معاونت بازرسی ستاد ارتش، در شهریور 72
به سمت جانشین رئیس ستاد کل ارتش و در فروردین 1378،
از طرف مقام معظم رهبری به درجه سرلشکری نائل آمد که این درجه با افتخار شهادت به سپهبدی ارتقاء یافت. سرانجام امیر
سپهبد صیاد شیرازی، جانشین ستاد کل
نیروهای مسلح در بامداد بیست و یکم فروردین 1378
به دست عوامل گروهک منافقین در تهران به شهادت رسید
و در تشییعی باشکوه، با حضور رهبر معظم انقلاب و انبوه مردم در بهشت‌زهرا به خاک سپرده شد.

* تأسیس «بنیاد مسکن انقلاب اسلامی» به فرمان» امام خمینی(ره) (1358)

اشاره:

قبل از پیروزی انقلاب، با تبعیض‌های فراوانی که
در جامعه وجود داشت قشر عظیمی از مستضعفان
از داشتن خانه محروم بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، در جهت احقاق حقوق محرومان،

طی حکمی، اولین نهاد سازندگی برای رفع مشکل مسکن را تأسیس کردند. امام در این فرمان، حساب 100 را در تمامی شعب بانک ملی افتتاح فرمودند و پایه و اساس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی را بنا نهادند. حضرت امام در پیام خود فرمودند: «هیچ کس در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد. بر دولت اسلامی است که برای این مسئله مهم چاره‌ای بیاندیشد و بر همه مردم ست که در این مورد همکاری کنند». بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بنا به اقتضای زمان، در اول انقلاب شروع به توزیع زمین در بین محرومان کرد. بعد از شهریور سال 1372 و تشکیل شورای عالی اداری، کار اصلی بنیاد که در آغاز در شهرها تمرکز یافته بود به روستاها منتقل شد و کار بازسازی مناطق آسیب دیده از حوادث به این بنیاد محول گردید.